فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۲۲-۱۰۷ New Period, No 28, 2020, P 107-122
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

آثار حقوقی طرح ایرادهای دادرسی خارج از زمان مقرر در نظام حقوقی ایران و رویه قضایی

فرشته صادقی مرادحاصلی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه ایران
Fsadeghi975@gmail.com

چکیده

ایرادات در دادرسی را می‌توان از جمله مباحث مهم و بنیادین برشمرد که قانون آیین دادرسی مدنی نیز ذیل ماده ۸۴ تا ۹۰ این قانون به صراحت از آنها نام برده است، اما مسئله حائز اهمیت این است که اگر ایرادات در خارج از زمان مقرر مطرح گردد، قانونگذار با توجه به ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی آن را مکلف به رسیدگی مستقل نمی‌داند، این مسئله ممکن است باعث بروز موانع و اختلافاتی میان طرفین دعوی گردد و همانند سدی باعث بوجود آمدن اخلال در در جریان دادرسی گردد و سبب اطاله دادرسی شود. از این رو پژوهش حاضر با این هدف اساسی به نگارش در آمده است که به بررسی آثار حقوقی طرح ایردهای دادرسی خارج از زمان مقرر در نظام حقوقی و رویه قضایی بپردازد. از این رو با بررسی در قوانین آیین دادرسی مدنی علی‌الخصوص ماده ۹۰ و ۸۷ این قانون و تدقیق در آرای قضایی آثار حقوقی این ایرادات را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادیم.

واژه‌های کلیدی: ایرادات دادرسی، مهلت قانونی، رویه قضایی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

مقدمه

مبحث ایرادات یکی از بنیادی‌ترین مباحث ایین دادرسی مدنی است که در قلمرو آن ایرادات مربوط به اصحاب دعوی به علت ابتلای آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، از جمله دلایل پرداختن به موضوع ایرادات مربوط به اصحاب دعوی موارد ذیل می‌باشد: این مبحث از ایین دادرسی مدنی، تاثیرات مهم و بعضا غیرقابل بازگشتی به دعاوی و دادرسی‌ها داشته به نحوی که درصد بسیار بالایی از آرای محاکم با استناد به ایرادات صادر می‌گردد. این موضوع تاکنون بطور مستقل و دقیق مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته است، بر خلاف سایر مباحث حقوقی که اختلاف نظر بین اساتید حقوق بسیار دقیق می‌باشد اما در مورد مبحث ایرادات اختلاف نظرها بسیار کلی می‌باشد.

مهلت قانونی برای طرح ایرادات موجود در ماده ۸۴ ق. آ. د. م مطابق ماده ۸۷ ق. آ. د. م تا پایان جلسه اول دادرسی می‌باشد. اثر طرح ایراد در مهلت قانونی در ماده ۸۸ ق. آ. د. م مشخص شده است که دادگاه قبل از ورود در ماهیت دعوا نسبت به ایراد تصمیم‌گیری می‌نماید. در صورت مردود شناختن ایراد، وارد رسیدگی به ماهیت دعوی میشود. طبق ماده ۹۰ ق. آ. د. م اگر ایرادات در مهلت قانونی مطرح نشوند دادگاه مکلف به رسیدگی مستقل و جدای از ماهیت نمی‌باشد. قانون‌گذار مهلت طرح، اثر و ضمانت اجرای ایراداتی که سبب آنها از زمان اقامه دعوا و ابتدای دادرسی وجود دارند را مشخص کرده است، اما در خصوص ایراداتی که ممکن است سبب آنها بعد از جلسه اول دادرسی به وجود آیند تکلیف مشخص نشده است و فقط در ماده ۸۷ ق. آ. د. م در ادامه تعیین مهلت برای ایراداتی که سبب آنها از ابتدا وجود داشته بیان داشته مگر سبب ایراد متعاقبا حادث شود. بنابراین مسئله‌ای که وجود دارد این است که آیا همه ایرادات موجود در ماده ۸۴ ق. آ. د. م قابلیت ایجاد بعد از جلسه اول دادرسی را دارند و می‌توانند در اثنای دادرسی به وجود آیند و در صورت ایجاد ایراد بعد از جلسه اول آیا برای طرح این دسته از ایرادات می‌توان مهلتی در نظر گرفت و وضعیت مهلت برای اعلام این دسته از ایرادات چگونه است و در صورت اعلام ایراد نحوه رسیدگی دادگاه به این دسته از ایرادات چگونه خواهد بود.

از آنجا که چه کتب حقوقی و چه حقوقدانان بحث ایرادات خارج از مهلت دادرسی با ایراداتی که بعد از جلسه اول دادرسی و در اثنای دادرسی بوجود می‌آیند را به درستی و شفافیت مطرح ننموده‌اند و از آنجا که ایرادات از جمله مسائل مهم آیین دادرسی مدنی بوده و طرح آن در جریان دادرسی می تواند سرنوشت دعوی را تغییر داده و روند رسیدگی را عوض کند، از این رو باید توجه ویژه نسبت به آنها صورت گرفته و با وجود قانونگذاری‌هایی که در این خصوص صورت گرفته، نقص‌ها و ابهامات موجود برطرف گردد، لذا با توجه به مطالب بیان گردیده باید در نظر داشت که پژوهش حاضر با طرح این سؤال اساسی به نگارش درآمده است که آثار حقوقی طرح ایرادهای دادرسی خارج از زمان مقرر در نظام حقوقی ایران به چه صورت می‌باشد؟

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

۲) زمان طرح ایرادات و آثار آن

۱-۲) زمان طرح ایرادات

مطابق ماده ۸۷ ق. ا. د. م : «ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر اینکه سبب ایراد متعاقبا حادث شود. لذا اصولا حق استفاده از ایراد، مختص جلسه اول دادرسی است، لیکن گاهی اوقات سبب ایراد، بعد از جلسه‌ی اول حادث می‌شود در این صورت، طرح ایراد بعد از جلسه اول هم امکان‌پذیر است. به عنوان مثال، اگر خواهان بعد از جلسه‌ی اول دادرسی، محجور (سفیه یا مجنون) شود، خوانده می‌تواند بعد از جلسه ی اول هم به عدم اهلیت خواهان ایران بگیرد و در صورت پذیرش این ایراد، دادگاه به استناد ماده ۱۰۵ ق. ا. د. م رسیدگی را متوقف می کند.[۱]چنانچه می‌دانیم هر گاه سبب ایراد بعد از جلسه اول حادث شود طرح ایران بعد از جلسه اول هم امکانپذیر است حال سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که در این حال ایرادکننده تا چه زمانی فرصت خواهد داشت که ایراد را مطرح نماید؟

در پاسخ به این سؤال برخی از حقوقدانان معتقدند :«از نحوه اعطای مهلتی که قانونگذار در مورد ایرادات برای طرف قائل شده می‌توان نتیجه گرفت که بعد از حدوث سبب ایراد، آن ایراد باید تا پایان اولین جلسه بعد از حدوث سبب ایراد یا به موجب اولین لایحه ای که بعد از حدوث ایراد به دادگاه تقدیم می‌شود اعلام گردد.[۲]

اگر ایراداتی که سبب آنها از ابتدای اقامه دعوا وجود داشته در موعد قانونی اولین جلسه دادرسی) اعلام نشوند در این صورت به موجب ماده ۹۰ ق. آ. د. م دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت نسبت به آن رای دهد. بنابراین اگر خوانده ایراد را در مهلت مقرر اعلام نماید دادگاه تکلیفی به رسیدگی جدا از ماهیت به ایراد ندارد بلکه می‌تواند به ماهیت دعوا رسیدگی نموده و در خلال رسیدگی به ماهیت در خصوص ایراد تصمیم بگیرد. بنابراین بر خلاف موردی که ایراد در موعد مطرح شود دادگاه مکلف است ابتدا در خصوص ایراد تصمیم بگیرد و در صورت رد ایراد وارد ماهیت دعوا و رسیدگی نماید؛ اگر ایراد در موعد مطرح نشد چنین تکلیفی برای دادگاه ایجاد نمی‌شود و دادگاه مکلف به رسیدگی به ایراد خارج از ماهیت نیست بلکه در این مورد قانونگذار دادگاه را مخیر گذاشته که رسیدگی مستقل نماید و یا در خلال رسیدگی به ماهیت در خصوص ایراد تصمیم بگیرد. آیا حکم موجود در ماده ۹۰ ق. آ. د. م مخصوص ایراداتی است که سبب آنها از زمان اقامه دعوا وجود داشته و در موعد قانونی اعلام نشده‌اند می‌شود و یا می‌توان حکم این ماده را در خصوص همه ایرادات حتی آن دسته از ایراداتی که سبب آنها بعد از جلسه اول دادرسی و بعد از موعد قانونی اعلام ایراد به وجود می‌آیند نیز اجرا کرد و بیان داشت چون این دسته از

۱- ابهری، حمید، حقوق و تکالیف خوانده دعوا در اولین جلسه دادرسی، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۷، ص ۶۹

۲- مهاجری، علی مبسوط در آیین دادرسی مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۹، ص ۳۷۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

ایرادات (ایراداتی که سبب آنها بعد از جلسه اول به وجود می‌آیند) خارج از موعد قانونی اعلام شده‌اند دادگاه تکلیفی به رسیدگی خارج از ماهیت به آنها ندارد. اینها مباحثی است که قانونگذار به آنها اشاره نموده و همین عامل زمینه ابهام و خلاء قانونی را فراهم کرده و دیدگاه‌های متفاوتی را در این خصوص پدید آورده است.

۲-۲) طرح ایراد در زمان مشخص

برخی از حقوق دانان معتقدند که باید برای ایراداتی که سبب آنها بعد از جلسه اول دادرسی به وجود می آیند قائل به زمان خاص شد و نمی‌توان باب ایرادگیری در طول دادرسی را باز گذاشت.[۳]

به نظر می‌رسد این نظر با فلسفه وضع مهلت در قانون متناسب باشد. زیرا باز گذاشتن باب ایرادگیری و موظف کردن دادگاه به این که هر وقت ایرادی گرفته شد رسیدگی را متوقف کرده و به ایراد رسیدگی کند باعث می‌شود بعضی از اصحاب دعوی با ایراد گیری‌های بی‌مورد سبب اطاله دادرسی گردند.

بنابر این، لزوم جلوگیری از طولانی شدن دادرسی و زودتر فیصله یافتن آن نیز اقتضای داشتن مهلت برای اقامه ایرادات را دارد. آنچه باعث وضع مهلت در برخی مواد از جمله ماده ۸۷، ۹۸، ۱۳۵، و ۱۴۳ ق. آ. د. م شده، همان جلوگیری از اطاله دادرسی است.

بر اساس اصل دادرسی در مهلت معقول نیز، لازم است رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مهلت معقول انجام شود. لازمه رعایت چنین اصلی این است که ایرادات که سبب آنها بعد از جلسه اول دادرسی به وجود می‌آیند در مهلت معقول و متعارفی مطرح شوند.

۲-۳) عدم طرح ایراد در مهلت قانونی

سؤالی که در این جا مطرح می شود این است که هر گاه خوانده ایراد را در زمان لازم یعنی تا پایان اولین جلسه دادرسی مطرح ننماید و در سایر مقاطع دادرسی مطرح کند در این صورت تکلیف دادگاه در رسیدگی به ایران چیست؟

در پاسخ به این سؤال، ماده ۹۰ ق. ا. د. م مقرر می دارد: «. . . دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن رأی دهد. .»[۴]

بر این اساس، اگر خوانده ایرادات را بعد از جلسه‌ی اول دادرسی مطرح نماید، دادگاه به ماهیت دعوا رسیدگی کرده ضمن اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوا، در مورد ایراد مطروحه نیز تصمیم‌گیری خواهد کرد. ممکن است تصور شود که در این حالت، دادگاه ضمن صدور حکم در ماهیت دعوا، قرار رد ایراد

۱- مردانی، نادر، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۲۴۱

۲- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ بیست دوم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۴، ص ۴۵۴

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

مطروحه را صادر می‌کند، لیکن در برخی موارد، چنین اقدامی عملی نخواهد بود. فرض کنیم که در جلسه سوم دادرسی، خوانده نسبت به صلاحیت ذاتی دادگاه ایراد گرفته است و این ایراد هم وارد باشد، در این صورت دادگاه نخواهد توانست در ماهیت دعوا حکم صادر کند. [۵]

به همین دلیل برخی از حقوقدانان معتقدند در این ماده اگر چه قانونگذار به ایرادات به طور مطلق اشاره نموده اما مقررات این ماده تنها شامل ایراداتی است که از قواعد مخیره شمرده می شوند. زیرا موضوعاتی که از قواعد آمره به شماره می‌روند، باید مورد توجه دادگاه قرار گیرند حتی اگر ذی نفع ایراد ننموده باشد یا به طریق اولی با تأخیر ایراد نموده باشد. بنابراین چنانچه ایراداتی که از قواعد آمره به شمار می‌روند در اولین جلسه دادرسی عنوان نشوند، دادگاه مکلف است در صورت پذیرش، جدای از ماهیت دعوا نسبت به آن رأی دهد. عدم صلاحیت ذاتی دادگاه و ایرادات مذکور در بندهای ۳ تا ۱۱ ماده ۸۹ ق. ا. د. م از این جمله‌اند. اما ایراداتی که از قواعد مخیره به شمار می‌روند، چنانچه در زمان لازم مطرح نشوند، دادگاه باید تکلیف آنها را ضمن صدور رأی نسبت به ماهیت روشن نماید[۶]لازم به ذکر است که برخی از حقوقدانان مطلق ایراد مربوط به صلاحیت را از جمله ایراداتی می‌دانند که دادگاه باید صرف‌نظر از ایراد، نسبت به آن اتخاذ تصمیم و مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت نماید از نظر این گروه ایراد خارج از مهلت نسبت به صلاحیت، برای دادگاه ایجاد صلاحیت نمی‌کند.[۷]

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند پذیرش آنچه که در بالا بیان شد یعنی آمره دانستن اکثر ایرادات، سبب می‌شود که ماده ۸۷ ق. آ. د. م (لزوم طرح ایرادات در جلسه اول دادرسی اثر خود را از دست بدهد، زیرا بسیاری از ایرادات را می توان بعد از جلسه اول دادرسی نیز مطرح کرد و نظر به آمره بودن این ایرادات، دادگاه در تمام جلسات رسیدگی مکلف است جدا از ماهیت دعوا در مورد آن ها، اتخاذ تصمیم کند.[۸]

این دسته از حقوقدانان برای پرهیز از مشکل مذکور دو راهکار ارائه می‌دهند: راهکار اول این است که ایرادات مربوط به نظم عمومی در تمام جلسات دادرسی، قابل استماع باشد لیکن دامنه ی این ایرادات محدود شود. راهکار دوم این است که اگر چه اکثر ایرادات مذکور در ماده ۸۶ ق. ا. د. م جنبه آمره دارند، طرح این ایرادات در جلسه اول دادرسی سبب می‌شود که دادگاه الزاما قبل از ورود به ماهیت دعوا درباره‌ی ایراد مطروحه اتخاذ تصمیم نماید؛ لیکن اگر این ایرادات بعد از جلسه ی اول مطرح شوند دادگاه تکلیفی به رسیدگی به ایراد خارج از ماهیت دعوا ندارد.[۹]

۱- ابهری، حمید، پیشین، ص ۶۹

۲- همان ص۴۵۵

۳- همان ص ۳۷۹

۴- همان ص ۷۱

۵- همان ص۷۲

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

۳) وضعیت دادخواست تقدیم شده پس از مهلت قانونی

به موجب تبصره ۲ ماده ۳۳۹ ق. آ. د. م. «در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شود. . . به موجب قرار دادگاه صادر کننده رأی بدوی رد می شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ در مرجع تجدید نظر قابل اعتراض است. رأی دادگاه تجدیدنظر قطعی است». در ماده ۳۸۳ ق. آ. د. م. نیز اعلام شده در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شده. . . . به موجب قرار دادگاهی که دادخواست به آن تسلیم گردیده رد می‌شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در دیوان عالی کشور می‌باشد. رأی دیوان قطعی است». به صراحت این مواد، دادخواست تجدیدنظر یا فرجام، که خارج از مهلت تقدیم شده باشد، رد می‌شود و ضمانت اجرای مهلت قانونی درخواست تجدید نظر و فرجام رد دادخواست تقدیم شده در خارج از مهلت است.

در اعاده دادرسی، در این خصوص تصریحی وجود ندارد. اما نمی‌توان تردید کرد که وضعیت اعاده دادرسی در این مطلب با تجدیدنظر و فرجام یکسان است و نمی توان تفاوتی در این زمینه تصور کرد. بنابراین، در لزوم رد دادخواست اعاده دادرسی، که خارج از مهلت قانونی تقدیم شده باشد، تردیدی وجود ندارد و زمان درخواست اعاده دادرسی یکی از موضوعاتی است که دادگاه در بررسی مقدماتی درخواست اعاده دادرسی برای صدور قرار رد یا قبول اعاده دادرسی بدان توجه می کند و در صورتی قرار قبول اعاده دادرسی صادر می‌شود که دادخواست اعاده دادرسی در مهلت قانونی تقدیم شده باشد [۱۰]

با وجود این، این ضمانت اجرا به رعایت مهلت‌های مقرر در مواد ۴۲۷ تا ۴۳۱ ق. آ. د. م. مربوط است. اما تأیید این ضمانت اجرایی نسبت به مهلت سه روز مقرر در تبصره ماده ۴۳۳ ق. آ. د. م. برای اعاده دادرسی طاری با تردید مواجه است. یکی از حقوقدانان در خصوص دادخواست اعادهٔ دادرسی طاری، که خارج از مهلت سه روز مقرر در تبصره ماده ۴۳۳ ق. آ. د. م. تقدیم شده باشد، اعلام کرده چنین دادخواستی به دادگاه صادرکننده حکم مورد اعاده ارسال می‌شود و این دادگاه به استناد بند ۱۱ ماده ۸۴ و مواد ۸۹ و ۹۰ ق. آ. د. م. قرار رد دعوای اعاده دادرسی را صادر می کند.[۱۱]

به نظر می‌رسد ضمانت اجرای مهلت سه روز مقرر در تبصره ماده ۴۳۳ ق. آ. د. م. نمی‌تواند رد دادخواست یا دعوای اعاده دادرسی طاری باشد. زیرا این مهلت صرفا برای اقامه اعاده دادرسی به شکل طاری است و مهلت اصلی اعاده دادرسی در حالت طاری نیز همان موارد مقرر در مواد ۴۲۷ تا ۴۳۱ ق. آ. د. م. است. بنابراین در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی طاری در خارج از مهلت های مقرر در مواد ۴۲۷ تا ۴۳۱ ق. آ. د. م. تقدیم شود، لازم است رد شود؛ حتی اگر مهلت سه روز مقرر در تبصره ماده ۴۳۳ ق. آ. د. م. رعایت شده باشد. اما اگر مهلت سه روز یادشده

۱- شمس، عبدالله آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۴، ص۴۸۹

۲- مهاجری، پیشین، ص۵۹۵

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

رعایت نشده باشد و مهلت‌های مقرر در مواد ۴۲۷ تا ۴۳۱ ق. آ. د. م. رعایت شده باشد، رد دادخواست تقدیم شده یا رد دعوای اقامه شده قابل توجیه نیست؛ بلکه نهایت این است که چنین دادخواستی تأثیری بر رسیدگی دعوای اصلی نداشته باشد و سبب تأخیر آن نشود. توضیح اینکه اعاده دادرسی طاری با شرایط مقرر در ماده ۴۳۴ ق. آ. د. م. سبب تأخیر دادرسی دعوای اصلی می‌شود، بنابراین، در صورت درخواست اعاده دادرسی طاری، دادگاه مکلف است تا سه روز منتظر تقدیم دادخواست اعاده دادرسی بماند و این انتظار به صورت خودداری از ادامه دادرسی دعوای اصلی و اجتناب از اعلام ختم آن است. حال اگر سه روز گذشت و دادخواست اعاده دادرسی طاری تقدیم نشد، دادگاه رسیدگی به دعوای اصلی را ادامه می‌دهد و می‌تواند برای اعلام ختم دادرسی اقدام کند و تکلیفی به انتظار بیشتر برای دادخواست اعاده دادرسی طاری ندارد. اما در صورتی که دادخواست اعاده دادرسی طاری پس از سه روز تقدیم شود و رسیدگی دعوای اصلی هنوز به پایان نرسیده باشد، به نظر می‌رسد چنین دادخواستی اثر دادخواست تقدیم شده در سه روز را دارد و با شرایط ماده ۴۳۴ ق. آ. د. م. سبب تأخیر دادرسی دعوای اصلی می‌شود.

در خصوص واخواهی، وضع متفاوت است. زیرا به موجب تبصره ۳ ماده ۳۰۶ ق. آ. د. م. «تقدیم دادخواست خارج از مهلت یادشده، بدون عذر موجه، قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر برابر مقررات مربوط به آن مرحله می‌باشد. از بیان نه چندان روشن این تبصره چنین برداشت شده که در صورتی که دادخواست واخواهی بدون عذر موجه در خارج از مهلت واخواهی تقدیم شود، دادخواست تجدید نظر تلقی می‌شود و به عنوان دادخواست تجدید نظر به جریان می‌افتد[۲؛۳؛۴؛۵؛۶]. اجرای حکم این تبصره مشروط شده به اینکه دادخواست خارج از مهلت واخواهی و در مهلت تجدیدنظر تقدیم شده باشد. در چنین شرایطی، با صدور قرار رد دادخواست واخواهی و قطعی شدن آن، دادخواست به عنوان تجدیدنظرخواهی به جریان می‌افتد[۷؛۸]. اما اگر دادخواست خارج از مهلت واخواهی و خارج از مهلت تجدیدنظر تقدیم شود، با هیچ یک از دو عنوان قابل رسیدگی نخواهد بود.[۱۹]

بنابراین، عدم رعایت مهلت واخواهی، اگرچه موجب صدور قرار رد دادخواست واخواهی می‌شود، در صورتی که دادخواست در مهلت تجدیدنظر تقدیم شده باشد، اثر قرار رد دادخواست از بین رفتن

۱- همان ص ۳۲۰

۲- همان ص ۱۰۰-۱۰۱

۳- همان ص۴۶۴

۴- مردانی، پیشین، ص ۱۱۴

۵- زراعت، عباس، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران، تهران، خط سوم ۱۳۸۳، ص ۹۸۰

۶- همان ص ۳۲۰

۷- همان ص ۱۰۰

۸- افتخار جهرمی، گودرز و مصطفی السان، آیین دادرسی مدنی، تهران، میزان، ج ۲. ۱۳۹۶، ص۲۰۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

دادخواست به طور کلی نیست؛ بلکه اثر آن رد واخواهی محکوم علیه غایب و نفی به جریان افتادن دادخواست به عنوان واخواهی است و چنین دادخواستی تجدیدنظرخواهی تلقی می‌شود.

حکم تبصره ۳ ماده ۳۰۶ ق. آ. د. م. منطقی و مبتنی بر ارفاق به محکوم علیه غایب است و بر این مبنای عادلانه استوار است که چه بسا محکوم علیه غایب در خارج از مهلت واخواهی و در مهلت تجدیدنظر، با باور اینکه عذر موجه دارد و واخواهی او پذیرفته می‌شود و همچنین با تصور تعارض تجدیدنظرخواهی و واخواهی به استناد عذر موجه، از تجدیدنظرخواهی خودداری کرده و منطقی نیست از چنین شخصی انتظار داشته باشیم همزمان اقدام به واخواهی و تجدیدنظرخواهی کند. بنابراین، قانون گذار با وضع تبصره مورد بحث به چنین باور و تصوری توجه می‌کند و چنین شخصی را از تقدیم هم زمان دادخواست واخواهی و دادخواست تجدید نظر معاف می‌کند و اجازه می‌دهد با تقدیم یک دادخواست شکایت خود از رأی را اعلام کند که اگر به عنوان واخواهی پذیرفته نشد، حداقل راه تجدیدنظر او مفتوح باشد و به عنوان تجدید نظر به جریان افتد. چنین ارفاقی را قانون گذار در مورد محکوم علیه غایب و صرفا در خصوص تجدیدنظرخواهی مقرر کرده است. زیرا تجدیدنظرخواهی مرحله دوم دادرسی است و لازم است سعی شود حتی‌الامکان اصحاب دعوا از این حق محروم نشوند. به همین سبب، قانونگذار مقرر نکرده که دادخواست واخواهی یا تجدیدنظر، در مهلت فرجام یا اعاده دادرسی، فرجام یا اعاده دادرسی تلقی شود و به جریان افتد و این حکم را درباره فرجام خواهی و اعاده دادرسی وضع نکرده و قابل تسری نیست.

براساس آنچه گفته شد، حکم تبصره ۳ ماده ۳۰۶ ق. آ. د. م. در اصل ناظر به حالتی است که محکوم علیه غایب در خارج از مهلت واخواهی و به استناد عذر موجه دادخواست واخواهی تقدیم می کند. وضعیت دادخواست واخواهی خارج از موعد قانونی با ادعای عدم اطلاع از حکم در صورت ابلاغ قانونی آن نیز با دادخواست واخواهی خارج از مهلت به استناد عذر موجه یکسان است و تبصره یادشده واخواهی خارج از مهلت با ادعای عدم اطلاع را نیز در بر می‌گیرد.[۱] اما واخواهی خارج از مهلت بدون استناد به عذر موجه یا ادعای عدم اطلاع حالتی متفاوت است که در آن محکوم علیه غایب از استحقاق کمتری برای ارفاق برخوردار است. با وجود این، عبارت تبصره ۳ ماده ۳۰۶ ق. آ. د. م. این حالت را نیز در بر می‌گیرد و حتی ظاهر عبارت به گونه‌ای است که بیشتر با این حالت تناسب دارد. اما از این ظاهر باید گذشت و منظور از عبارت «بدون عذر موجه» در این تبصره را باید اعم از مطرح نشدن عذر موجه در دادخواست با عدم احراز و عدم پذیرش عذر توسط دادگاه دانست.

۱- همان ص ۳۲۰

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

٤) آثار طرح ایراد در مهلت های مختلف در رویه قضایی

دادگاه پس از بررسی ایرادات، با توجه به نتیجه حاصله، دو تصمیم متفاوت می‌تواند اتخاذ نماید:

٤-۱) ایراد را وارد نداند

در این صورت باید مستدلا آن را مردود اعلام نماید. گفته شد که اعلام رد ایران باید به نحوی باشد که چنانچه بدون پاسخ به ماهیت دعوا، مطرح شده، خوانده از حق دفاع محروم نشود.

در همین زمینه می‌توان به دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۷۹۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران که در تأیید دادنامه صادره از شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران صادر گردیده است اشاره نمود که در آن دادگاه بدوی ایرادات وارد شده را به استناد ماده ۸۸ ق. ا. د. م مردود و سپس وارد ماهیت دعوا گردیده است.

شرکت ن. م. با وکالت آقایان (ع. ر.) و (س. ق.) به طرفیت شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی و شرکت د. ا. گ. ف دعوی مطالبه مبلغ (۱۵۰۰۰۰۰۰۰) تومان و خسارات دادرسی و تأخیر تأدیه را اقامه نموده، دادگاه اظهارات وکلای محترم متداعیین دعوا را استماع نمود و به دلایل و مدارک و لوایح تقدیمی آنان توجه کرده اولا؛ دعوا توجهی به خوانده ردیف دوم ندارد؛ زیرا خوانده ردیف دوم فوروارد است که به نمایندگی از متصدی حمل عمل نموده است و به استناد ماده ۸۹ ناظر به بند۴؛ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان نسبت به خوانده ردیف دوم صادر و اعلام می‌نماید. ثانیا؛ نسبت به خوانده ردیف اول که متصدی حمل است طبق کنوانسیون ورشو و اصلاحات ناظر بر آن که حاکم بر روابط حمل و نقل هوایی است دعوا وارد می‌باشد زیرا ایرادات وارد شده به استناد ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی مردود اعلام شده است و با ارجاع امر به کارشناس خبره، به لحاظ عدم وجود کارشناس رسمی دادگستری، محرز شد که کالای مورد خسارت در دمای ۱۲ درجه سانتیگراد نگهداری شده است که عامل و مبنای ورود خسارت می‌باشد و برای حمل چنین کالایی رعایت نکات فنی و ایمنی به نحوی که برای حمل این نوع از کالاها لازم است جزء شروط بنایی و لاینفک حمل آن برای هر حمل‌کننده متعارف و معقول است و عدم رعایت آن در حکم ورود خسارت عمده به کالای مورد حمل است هر چند اقدام عملی و مستقیم از سوی متصدی حمل جهت از بین بردن کالا طبق نظر کارشناس احراز نشد؛ زیرا در صورت اخیر و با اتلاف عمدی مال غیر یا تخریب آن جنبه کیفری موضوع حاکم می‌شود و هر رفتار غیرمتعارف و غیرمعقول یا هر تلاش متعارضی که لازمه محل مناسب کالا است انجام نشود، در حکم عمد است لذا به استناد بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون ورشو و به استناد مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و اینکه در نتیجه برابر خسارت ارزی وارد شده به خواهان با مبلغ ریالی آن مبلغی بیش از خواسته خواهان حاصل می‌شود دادگاه دعوی خواهان را محمول بر صحت و متکی بر دلیل تشخیص می‌دهد و حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ تومان به عنوان اصل خواسته و مبلغ ۳۴۹۵۲۰۰۰ ریال و حق الوکاله

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

وکیل خواهان طبق تعرفه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه طبق شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی از تاریخ ۸۷/۲/۲۵ تا روز پرداخت اصل وجه مذکور در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. حکم صادر شده حضوری است و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدید نظر استان تهران است.

شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به طرفیت شرکت (ن. م) با وکالت آقایان (ع. ر) و (س. ق.) نسبت به دادنامه شماره ۰۱۶۷ مورخ ۹۰/۲/۳۱ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران تجدید نظر خواهی کرده است. بر اساس دادنامه موصوف، دعوت تجدید نظر خوانده به خواسته مطالبه مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ تومان بابت خسارات وارده به کالا در اثر حمل، اجمالا با این استدلال که چون شرکت تجدید نظر خواه در حمل کالاهای موضوع دعوی رعایت نکات فنی و ایمنی را نکرده و عدم رعایت آن در حکم ورود خسارت عمدی است با تمسک به بند یک ماده ۲۵ کنوانسیون ورشو، مورد پذیرش قرار گرفته، حکم بر محکومیت شرکت تجدیدنظر خواه به پرداخت مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ تومان بابت اصل خواسته به انضمام خسارت دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۸۷/۲/۲۵ تا روز پرداخت در حق تجدید نظر خوانده صادر شده است. دادگاه دلایل و جهات ذیل را در انشای رأی مورد توجه قرار می‌دهد:

۱- محموله مبحوث عنه که داروی بیهوشی بوده، از سوی تجدید نظر خواه به عنوان متصدی حمل و نقل از کشور هلند به ایران حمل گرددیه است.

۲- متصدی حمل و نقل از شرایط نگهداری محموله آگاهی داشته و می دانسته که محموله می‌بایست در درجه حرارت ۲ تا ۸ درجه نگهداری شود.

۳- با توجه به اطلاعات مندرج در دستگاه ثبت دما که به طور اتفاقی در کارتن‌ها از سوی شرکت تولیدکننده داروها جاسازی گردید در تاریخ ۸۶/۱۱/۸ شرایط نگهداری محموله نامطلوب بوده و در آن تاریخ دچار یخ زدگی و فساد شده است و با توجه به اهمیت سلامت کامل داروها برای بیماران و عوارض جبران ناپذیر استفاده از داروهای بیهوشی فاسد، هیچکدام از محموله ها قابل استفاده نبوده است.

۴- مستندات مضبوط در پرونده حکایت از آن دارد که یخ زدگی محموله در زمان نگهداری آن صورت گرفته و تاریخ اعلام به تجدیدنظر خوانده جهت تحویل کالا یک روز بعد از آن یعنی در مورخ ۸۶/۱۱/۹ بوده است. با توجه به اینکه تجدید نظر خواه به عنوان متصدی حمل و نقل از شرایط نگهداری محموله آگاهی کامل داشته عدم رعایت آن که ممکن است مستند به قصور یا تقصیر باشد از موجبات ایجاد ضمنا برای آن شرکت و تحقق مسئولیت مدنی برای جبران خسارات وارده می باشد.

۵- مهلت چهارده روزه مندرج در کنوانسیون ورشو برای صاحب کالا در مورد خسارات وارده به کالا ناظر به عیوب و خساراتی است که عرفا امکان کشف آن وجود داشته و در مانحن فیه که در زمان ترخیص کالا و حتی بعد از آن و تا قبل از اعلام شرکت تولید کننده که پس از بررسی محموله محتوی دستگاه ثبت دما

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

صورت گرفته امکان احراز سلامت با فسادمحموله وجود نداشته، انقضای مدت چهارده روز مسقط حق مطالبه خسارت نمی‌باشد.

۶- در حمل‌ونقل بین‌المللی بارنامه در حکم قرار داد فی ما بین می‌باشد و رعایت شرایط مندرج در بارنامه برای طرفین ضروری بوده و مفاد آن برای آنان لازم الاتباع است. به موجب مفاد ظهر بارنامه محموله متنازع فیه، چنانچه فروشند از قبل ارزش بیشتری برای محموله اظهار نکند محدودیت مسئولیت برای متصدی حمل و نقل، ۲۵۰ فرانک طلای فرانسه برای هر کیلوگرم تقریبا معادل ۲۰ دلار آمریکا در هر کیلوگرم بر اساس۴۲/۲۲ دلار برای هر اونس طلاست و چون در مانحن فیه، در بارنامه، ارزش کالا درج نگردیده مسئولیت متصدی حمل و نقل به ازای هر کیلوگرم بیست دلار در مجموع بابت ۳۱۴۰ کیلوگرم ۶۲/۸۰۰ دلار می باشد. اینک با بررسی مجموع محتویات پرونده و مطالعه لوایح تقدیمی وکلای طرفین و استماع اظهارات آنان در جلسه دادرسی اولا در این مرحله ایراد موجه و مدللی که مؤثر در نقض و بی اعتباری اساس دادنامه معترض عنه باشد اقامه نگردیده است. ثانی رأی دادگاه بدوی من حیث المجموع موافق مقررات قانونی و مستندات پرونده صادر شده لیکن میزان محکوم به با توجه به توضیحات فوق الاشعار مستلزم اصلاح می باشد. بنا به مراتب مذکور به تجویز ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی و با رعایت ماده ۳۵۱ قانون مرقوم، ضمن رد اعتراض و اصلاح مبلغ مورد حکم به معادل ریالی ۶۲/۸۰۰دلار آمریکا که در زمان اجرای حکم قابل محاسبه است. دادنامه تجدید نظر خواسته با اصلاحیه مذکور و به اعتبار نتیجه تأیید و استوار می گردد. این رأی قطعی است.[۲۱]

۲-٤) ایراد را وارد تشخیص دهد

در این صورت قانون‌گذار نوع و عنوان رأی صادره را در ماده ۸۹ ق. ا. د. م و سایر موارد مشخص نموده است[۲۲]

مطابق ماده ۸۹ ق. ا. د. م: «در مورد بند ۱ ماده ۸۴ هر گاه دادگاه، خود را صالح نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می‌نماید و طبق ماده ۲۷ عمل می کند و در مورد بند ۲ ماده ۸۴ هر گاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده پرونده را به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است می‌فرستد و در سایر موارد یاد شده در ماده ۸۴ قرار رد دعوا صادر می‌نماید. بنا به آنچه گفته شد تصمیم دادگاه در سه قالب قابل اتخاذ می‌باشد که در ذیل به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

۱- شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۷۹/۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران مجموعه آرای قضایی تجدید نظر استان تهران، چاپ دوم، شهریور ۹۱، ص ۱۴۷

۲- شمس، جلد اول، پیشین، ص ۴۵۷

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

۱-۲-٤) صدور قرار عدم صلاحیت

ناظر به مورد است که دادگاه ایراد علام صلاحیت را بپذیرد، در این صورت با صدور قرار عدم صلاحیت مطابق ماده ۲۷ ق. ا. د. م عمل خواهد کرد، یعنی مرجعی را که صالح تشخیص می‌دهد در قالب قرار عدم صلاحیت صادره مشخص و پرونده را به آن مرجع ارسال خواهد نمود.[۳] در زیر به نمونه‌ای از قرار عدم صلاحیت اشاره می‌شود.

در خصوص دعوات الف به طرفیت ب به خواسته تخلیه ملک تجاری، این دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده و ایراد خوانده مبنی بر وقوع ملک در حوزه قضایی بخش کهک و اینکه به موجب ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول و حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است. از طرفی خواهان به اعتبار محل اقامت خوانده در این حوزه طرح دعوا نموده لذا با قبول ایران مستند به قانون اشاره شده قرار عدم صلاحیت این دادگاه به شایستگی دادگاه عمومی بخش کهک صادر و اعلام می گردد. رأی صادره قطعی است.[۲۴]

۲-۲-٤) صدور قرار امتناع از رسیدگی

دادگاه چنانچه ایراد امر مطروحه را وارد دانست، در صورتی که دعوای دیگر در همان دادگاه (شعبه) مطرح باشد، قرار رسیدگی توأمان صادر می‌نماید. و چنانچه در دادگاه (شعبه) دیگر مطرح باشد، قرار امتناع از رسیدگی صادر نموده و پرونده عندالاقتضاء از طریق رئیس کل، به آن شعبه فرستاد می‌شود.[۲۵]

نکته‌ی دیگر که در این جا قابل توجه می باشد این است که اگر دادگاه مرجوع الیه دعوایی را که از دادگاه دیگر برای او ارسال شده مرتبط با دعوای پرونده مطروحه در نزد خود نداند چه اقدامی متصور است؟ قانون در این خصوص ساکت است. به نظر می‌رسد ایجاد تکلیف جهت کسی که موظف شده پرونده را به دادگاه دیگر ارسال نماید، مستلزم آن است که این تکلیف مفید فایده بوده و ثمره انجام آن تکلیف نیز این باشد که دادگاه مرجوع الیه به آن پرونده رسیدگی نماید ولو این که آن دو پرونده را با یکدیگر مرتبط نداند. بعید نیست بحث اختلاف مطرح و حسب مورد رئیس حوزه قضایی تعیین تکلیف و در موردی که در دادگاه در دو حوزه از یک استان هستند دادگاه تجدید نظر و اگر در دو استان هستند دیوان عالی کشور حل اختلاف نماید. در زیر به نمونه ای از قرار امتناع از رسیدگی اشاره می گردد.

۱- مهاجری، پیشین، ص ۳۸۵

۲- پس از صدور قرار عدم صلاحیت دادگاه دستوری به شرح ذیل برای دفتر صادر می نماید: دفتر رای صادره ابلاغ و پرونده به مرجع صالح ارسال شود. اما چنانچه ایراد صلاحیت ذاتی به مرجع غیر دادگستری مطرح و مورد قبول دادگاه باشد، دادگاه موظف است پس از صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را در اجرای ماده ۲۸ ق. ا. د. م جهت تشخیص صلاحیت به دیوان عالی کشور ارسال نماید.

۳- شمس، پیشین، جلد اول، ص ۴۵۷

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

با توجه به ایراد خوانده که در مهلت مقرر قانونی صورت گرفته است و نظر به این که به دلالت اخطاریه شماره. . . . . دعوا قبلا در شعبه. . . . . دادگاه عمومی مطرح گردیده است، لذا دادگاه ضمن قبول ایراد مستند به بند ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار امتناع از رسیدگی صادر و مقرر می دارد دفتر پرونده از آمار کسر و به شعبه. . . . . ارسال گردد.[۲۶]

۳-۲-٤) صدور قرار رد دعوا

در سایر موارد مندرج در ماده ۸۴ ق. ا. د. م دادگاه نسبت به صدور قرار رد دعوا اقدام می نماید. قرار رد دعوا، قاطع بوده و بنابراین چنانچه حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدید نظر باشد (خواسته بیش از سه میلیون ریال بوده و یا دعوا غیرمالی باشد) قابل تجدید نظر است و در نتیجه، قرار مزبور، باید به صورت دادنامه تنظیم شده و به اصحاب دعوا ابلاغ شود.[۲۷]نحوه صدور قرار رد دعوا به شکل زیر می‌باشد:

نمونه رأی دادگاه

نسبت به دعوای الف به طرفیت ب به خواسته مطالبه اجرت‌المثل زمین کشاورزی، علی الحساب مقوم به شصت میلیون ریال، دادگاه با عنایت به ایراد عدم توجه دعوای مطروحه به خوانده و صدور و اجرای قرار تحقیق و معاینه محلی به شرح مضبوط در صفحه. . . پرونده و نتایج حاصل از آن که نماینگر عدم تصرفات خوانده در رقبه مزبور می‌باشد با قبول ایراد مطروحه و مستند به ماده ۸۹ ناظر به بند ۴ ماده ۸۹ ق. ا. د. م قرار رد دعوا صادر و اعلام می‌نماید. این قرار، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل رسیدگی تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر مرکز استان است.[۲۸]

نکته ای که در این جا توضیح آن خالی از لطف نیست این که در ماده ۸۹ ق. ا. د. م قانونگذار بیان داشته است که اگر خواهان اهلیت نداشته باشد دادگاه مکلف به صدور قرار رد دعوا خواهد بود و از طرف دیگر ماده ۳۳۲ ق. ا. د. م در بند «دال» به قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا اشاره دارد بنابر این سؤال این است که در این فرض آیا مجوزی برای صدور قرار عدم اهلیت وجود دارد یا اینکه باید نسبت به رد دعوای خواهان اقدام شود؟

در پاسخ باید گفت جمع ماده ۸۹ ق. ا. د. م و بند «دال» ماده ۳۳۲ قانون مذکور حداقل در مورد ایران به اهلیت خواهان غیرممکن به نظر می‌رسد. زیرا در ماده ۸۹ مقرر شده است در مورد ایراد به اهلیت خواهان قرار رد دعوا صادر شود ولی در ماده ۳۳۲ قانون فوق‌الذکر به طور مطلق از قرار عدم اهلیت نام برده شده

۱- مهاجری، پیشین، ص ۳۸۹

۲- شمس، عبد اله، پیشین، جلد نخست، ص ۴۵۷

۳- موحدیان، غلامرضا، آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

است. به عنوان راه‌حل می‌توان گفت در مورد اهلیت خواهان پس از ایراد، دادگاه قرار رد دعوا و در سایر موارد قرار عدم اهلیت صادر می‌نماید.[۲۹]

نتیجه‌گیری:

از آنچه در این پژوهش گذشت مشخص شد قانون آیین دادرسی مدنی با وضع مهلت برای شکایات از آرا در وضع و بیان احکام و آثار و جزئیات آن کوتاهی کرده است؛ از جمله اینکه در خصوص ضمانت اجرای این مهلت ها صرفا در خصوص دادخواست تجدید نظر یا فرجام، که پس از موعد قانونی تقدیم شده باشد، تصریح به لزوم رد دادخواست کرده است مواد ۳۳۹ (تبصره ۲ و ۳۸۳ ق. آ. د. م.) در حالی که وضعیت اعاده دادرسی در این خصوص با تجدیدنظر و فرجام یکسان است و لازم است ضمانت اجرای مذکور در اعاده دادرسی نیز تصریح شود.

ایرادات را می‌بایست به دو دسته تقسیم نمود ایراداتی که جنبه آمره دارند مانند ایراد عدم صلاحیت ذاتی دادگاه، در مورد این ایرادات، دادگاه مکلف است حتی بدون طرح ایران از سوی طرفین و به طریق اولی در صورت تأخیر آنها در اعلام ایران، جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند اما در خصوص ایراداتی که قواعد مربوط به آن ها جنبه تکمیلی و مخیره دارد در این موارد، در صورت عدم اعلام ایراد در جلسه اول دادرسی دادگاه به استناد ماده ۹۰ ق. آ. د. م ضمن صدور حکم در ماهیت دعوا در مورد ایراد مطروحه نیز اتخاذ تصمیم نموده و مردود بودن ایران به علت عدم وجود سبب یا طرح آن در خارج از موعد را اعلام می‌نماید.

قانونگذار در ماده ۹۰ ق. آ. د. م بیان داشته که اگر ایرادات در موعد قانونی اعلام نشوند دادگاه تکلیفی به رسیدگی جدا از ماهیت ندارد. قانون گذار در این ماده حکم کلی را بیان داشته و تفکیکی بین ایرادات قائل نشده است. در صورتی که ایراداتی که جنبه آمره داشته در صورتی که خارج از موعد نیز اعلام شوند به جهت اهمیتی که دارند و تاثیری که بر رای صاره می‌گذارند باید مورد توجه دادگاه قرار گیرند و دادگاه نمی‌تواند بدون اتخاذ تصمیم در خصوص این دسته از ایرادات به رسیدگی در ماهیت دعوا ادامه داده و در ضمن ماهیت در خصوص ایراد تصمیم بگیرد پس پیشنهاد می‌شود قانونگذار ماده‌ای با این محتوا تصویب نماید.

قانونگذار صرفا در خصوص ایراداتی سخن گفته که سبب آنها در زمان اقامه دعوا وجود داشته و در خصوص ایراداتی که ممکن است سبب آنها در اثنای دادرسی به وجود آیند مطلبی ذکر نکرده و تنها در ماده ۸۷ ق. آ. د. م در ادامه بیان مهلت جهت اعلام ایراداتی که سبب آنها در زمان اقامه دعوا وجود داشته بیان داشته. مگر این که سبب ایراد متعاقبا حادث شود با وجود این که امکان ایجاد سبب ایراد در اثنای

۱- مهاجری، پیشین، ص۳۹۳

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

دادرسی وجود دارد اما این امر از نظر قانون‌گذار دور مانده و مورد بی‌مهری قرار گرفته است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار به این دسته از ایرادات نیز توجه نماید و موعد اعلام ایراداتی که سبب آنها در اثنای دادرسی به وجود می آیند را مشخص نماید بنابراین ماده پیشنهادی این است که اگر سبب ایراد در اثنای دادرسی به وجود آید خوانده می‌تواند ایراد را تا پایان اولین جلسه بعد از حدوث آن اعلام نماید. اما اگر سبب ایراد بعد از جلسه اول دادرسی به وجود آید تکلیف دادگاه در نحوه رسیدگی به ایراد مبهم است و در این خصوص نیز ماده‌ای در قانون پیش‌بینی نشده است. با توجه به نظر پذیرفته شده در متن تحقیق باید بیان داشت اگر سبب ایراد در اثنای دادرسی به وجود آمد لازم است، دادگاه به طور مستقل در خصوص ایراد ایجاد و اعلام شده تصمیم بگیرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابهری، حمید، حقوق و تکالیف خوانده دعوا در اولین جلسه دادرسی، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۷.

ـ افتخار جهرمی، گودرز و مصطفی السان، آیین دادرسی مدنی، تهران، میزان، ج ۲. ۱۳۹۶.

ـ زراعت، عباس، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران، تهران، خط سوم ۱۳۸۳.

ـ شمس، عبدالله آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۴.

ـ شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ بیست دوم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۴.

ـ مردانی، نادر، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.

ـ موحدیان، غلامرضا، آیین دادرسی و اجرای احکام مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۱.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-02-01]